

روح القدس و کار او

درس ۷: آیا معجزات برای امروز هستند؟

دکتر آر. سی. اسپرول

قبل از این که به جلسه‌ی بعدی الهیات نظام‌مند بپردازیم، و پیش از این که مرور مختصرمون رو درباره‌ی شخص و کار روح القدس کنار بذاریم، یک موضوعی می‌مونه که به نظرم باید بهش اشاره کنیم، چون خیلی بحث برانگیز و گیج کننده هست و مسأله‌ای هست که همیشه در زندگی کلیسای امروز مورد بحث بوده.

و اون هم اینه که آیا ما به عنوان مسیحیان قرن بیستم باید انتظار داشته باشیم که معجزات در زندگی کلیسای امروز اتفاق بیفته، یا معجزات در پایان عصر رسولان متوقف شده؟ حالا غالباً این سؤال در رابطه با کل مبحث به اصطلاح عطایای معجزه‌آسای روح ایجاد میشه.

علاوه بر این سؤال، سؤال استنتاجی که باهاش همراه میشه، اینه که: "آیا شیطان و پیروانش معجزه می‌کنند؟" من می‌گم اکثر گزارشات کلیسای مسیحی امروز، حداقل در دنیای انجیلی، اول از همه اینه که معجزات در زندگی کلیسا وجود دارند و دوم، شیطان و دیوهاش هم قدرت و توانایی اجرای معجزات رو دارند.

و کسانی که دیدگاه مخالفی دارند، که خودم هم شاملشون میشم، غالباً به طور گسترده در این نکته مورد سوء تفاهم قرار گرفتند. پس من مایلم زمانی رو به توضیح بعضی از مشکلات درباره‌ی این مسائل اختصاص بدم و این که چرا توقف تاریخی معجزات، نکته‌ی تفکر نهضت صحیح اصلاحات بوده، ما در همین ابتدا با مشکل اول شروع می‌کنیم و اون هم تعریف معجزه هست.

من متوجه شدم کسانی که درباره‌ی معجزات صحبت می‌کنند، همیشه منظور یکسانی ندارند و مخصوصاً زمانی که یک الهیدان درباره‌ی معجزات با یک شخص عادی صحبت می‌کنه، غالباً دو چیز کاملاً متفاوت رو در نظر داره. پس اولین چیزی که می‌پرسیم اینه که "معجزه چیه؟"

حالا بعضی می‌گن هر پاسخی به دعا و عمل الهی که امروز در این دنیا ادامه داره، معجزه هست. عده‌ای دیگه استدلال می‌کنند که هر کار ماوراء طبیعی، از جمله تولد تازه‌ی روح انسان، معجزه هست و بعضی حتی فراتر رفته و می‌گن هر چیز شگفت‌انگیز یا جالبی، از جمله تولد نوزاد، معجزه هست. اما از نظر اصطلاحات کاملاً فنی برای تعریف معجزه، نوزادان هر روز متولد میشن، این یک چیز فوق طبیعی نیست؛ شاید تولد بچه شگفت‌انگیز و زیبا باشه، اما نسبتاً عادیه.

این همیشه اتفاق می‌افته. من نمی‌دونم به دفتر چند تا کشیش وارد شدم و این علامت رو روی دیوار دیدم: "منتظر معجزه باشید". انگار معجزات چیزی هستند که باید به عنوان یک اتفاق عادی و روزمره در زندگی‌مون منتظرشون باشیم. و اگه اینطوره، پس معجزات می‌تونن یک چیز عادی نامیده بشن، نه یک چیز فوق طبیعی.

ولی اهمیت معجزات در کتاب مقدس، در خصوصیت فوق طبیعی اون‌هاست، نه در خصوصیت عادی شون. حالا هم‌زمان، دوره‌هایی در تاریخ کتاب مقدس هست که زبانه‌های معجزات دیده میشه، رگبار شدید معجزاتی که در یک دوره‌ی کوتاهی از زمان متمرکز شده؛ مثل دوران زندگی عیسی. زندگی عیسی با معجزات فراوانی همراه بود.

ما می‌بینیم که معجزات بارها در زندگی موسی اتفاق می‌افتند، و بعد در زندگی الیشع. اما در دوره‌های زمانی زیادی در عهدعتیق، معجزاتی نبود. اون‌ها به طور پیوسته، روزانه، سالانه، در هر دهه اتفاق نمی‌افتادند، بلکه در زمان‌های خاصی بود و فکر می‌کنم که یکم پیش بریم ببینیم چرا این‌ها در زمان‌های خاصی بودند.

حالا وقتی به سؤال معجزه می‌رسیم، چیزی که خیلی از افراد نمی‌دونند، اینه که کتاب مقدس کلمه‌ای برای معجزه نداره. کلمه‌ی "معجزه" در کتاب مقدس نیست. حالا، پیش از این که برای من نامه بنویسید یا با من تماس بگیرید و ترجمه‌های گوناگون عهدجدید رو بردارید، مخصوصاً NIV، که بارها از کلمه‌ی "معجزه" استفاده می‌کنه، اجازه بدید بهتون بگم که کاملاً آگاهم که در ترجمه‌های انگلیسی کتاب مقدس، کلمه‌ی معجزه بارها دیده میشه.

منظور من اینه که در عهدجدید یونانی، حتی یک بار هم کلمه‌ی معجزه دیده نمیشه. ایده‌ی معجزه، مفهوم معجزه که در الهیات مطالعه می‌کنیم، مفهوم یا ایده‌ای هست که از گزارش کتاب مقدس، مخصوصاً از عهدجدید، از سه کلمه‌ی متفاوت استنتاج شده و این کلمات "نشانه‌ها"، "قدرت‌ها" و "آیات" هستند، چون معجزات بر اساس درک ما، ظهور قدرت الهی هستند، وقتی اتفاق می‌افتند، الهام‌بخش شگفتی یا حیرت یا تعجب یا حیرت‌زدگی هستند و مهم‌اند.

کلمه‌ی موردعلاقه‌ی یوحنا برای چیزی که ما معجزه می‌خوانیم، کلمه‌ی "سیمین" هست، که با کلمه‌ی انگلیسی "نشانه" ترجمه شده. مثلاً گزارش یوحنا رو می‌خونید که میگه: "عیسی این نشانه را در جشن عروسی در قانا انجام داد" یا "عیسی این نشانه را در کفرناحوم انجام داد" و الی آخر، و اون‌ها رو نشانه می‌گن. حالا چرا اون‌ها رو نشانه می‌خوانن؟

خُب، نشانه‌ها، چیزی هستند که به چیزی فراتر از خودشون اشاره می‌کنند. اون‌ها اهمیت دارن. اون‌ها بر چیزی دلالت می‌کنند. حالا این اصل مطلبه. معجزات یا نشانه‌ها و قدرت‌ها و آیات عهدجدید طراحی شده بودند که چی رو نشون بدن؟

به چی اشاره می‌کردند؟ معلومه که ارزش مهمی در کارهاشون داشتند. عیسی نیازهای میزبان عروسی رو با تبدیل آب به شراب برطرف کرد، یا قطعاً نیازهای بیماران رو با شفا برطرف کرد، یا نیاز والدین محزون رو با زنده کردن

فرزندانشون از مرگ برطرف کرد. اما این چیزها چه اهمیتی داشتند؟ خُب، به نظرم برای پاسخ به این سؤال، اول به نیقودیموس نگاه می‌کنیم.

وقتی نیقودیموس در شب پیش عیسی اومد، به عیسی گفت: "تو استاد نیکو هستی" یا به او گفت: "ای استاد می‌دانیم که تو معلم هستی که از جانب خدا آمده‌ای زیرا هیچکس نمی‌تواند معجزاتی را که تو می‌نمایی انجام دهد." حالا نیقودیموس می‌گفت: "تو باید از جانب خدا اومده باشی، چون ما نشانه‌هایی رو که انجام دادی، دیدیم.

ما این قدرت‌های مافوق طبیعی رو که اینجا ظاهر کردی، دیدیم! پس تو باید از جانب خدا اومده باشی." عیسی بعداً گفت: "به من ایمان داشته باشید، اگر نمی‌توانید به کلام من ایمان داشته باشید، به خاطر اعمالی که انجام می‌دهم، ایمان داشته باشید." حالا برای این که این رو به طور کامل ببینیم، به کتاب عبرانیان میریم، در باب دوم، این نصیحت و هشدار رو داریم: "لهذا لازم است که به دقت بلیغ تر آن چه را شنیدیم گوش دهیم، مبدا که از آن ربوده شویم.

زیرا هر گاه کلامی که به وساطت فرشتگان گفته شد برقرار گردید، به قسمی که هر تجاوز و تغافل را جزای عادل می‌رسید، پس ما چه گونه رستگار گردیم اگر از چنین نجاتی عظیم غافل باشیم؟ که در ابتدا تکلم به آن از خداوند بود و بعد کسانی که شنیدند، بر ما ثابت گردانیدند؛ در حالتی که خدا نیز با ایشان شهادت می‌داد به آیات و معجزات و انواع قوات و عطایای روح القدس بر حسب اراده‌ی خود."

حالا این جا نویسنده‌ی عبرانیان می‌گه حقیقت کلام خدا که تأیید می‌کنه پیغامی که توسط نویسندگان کتاب مقدس ارائه شده، واقعاً از خداست، توسط خدا، از طریق انجام معجزات تأیید شده و نشون داده شده. حالا این نکته‌ای هست که به نظرم غالباً به طور غم‌انگیزی نادیده گرفته شده و چشم پوشی شده، و مشکل همینجاست.

کتاب مقدس می‌گه ما می‌دونیم این کلام خداست، چون نویسندگانش با معجزات تصدیق و تأیید شدند، اونوقت اگه کسی که جزو نویسندگان نیست هم بتونه معجزه کنه، چه مشکلی این جا داریم؟ اگه وجود معجزات برای اثبات رسالت یک نفر و آوردن کلام خدا توسط اون بوده، و بعد کسی که کلامی از خدا نیآورده، معجزه می‌کنه، دیگه ارزش معجزات کسی که ادعا می‌کنه کلام خدا را آورده و برای معجزاتش، گواه و مدرک داره، چیه و چه نفعی داره؟

این یک استدلال بی‌اعتباره. اگه دیگران بتونن این کارها رو بکنند، پس این که یک نفر این کار رو می‌کنه، نمی‌تونه چیزی رو درباره‌ی اقتدارشون ثابت کنه یا درباره‌ی این که اون‌ها به عنوان سخنگوی خدا فرستاده شدند. پس در این مسأله، اقتدار مسیح، رسولان و کتاب مقدس در خطر. یادتون باشه که معجزات چه طوری در عهدعتیق با موسی شروع شدند.

خدا، موسی رو در بوته‌ی مشتعل صدا کرد که نزد فرعون بره و نه تنها نزد فرعون بره، بلکه نزد قوم اسرائیل بره و بگه: "با من بیایید، ما از این جا میریم." و موسی به خاطر این فرمان مردد شد و گفت: "من از کجا بدونم، اون‌ها از کجا بدونند که تو با من صحبت کردی؟ من نمی‌تونم وارد صحن فرعون بشم و بگم: "من با بوته‌ای در بیابان صحبت کردم.

بذار قوم من برن." من نمی‌تونم نزد این صدها هزار برده‌ی یهودی برم و بگم: "بیایید بلند بشیم و بقچه‌هامون رو جمع کنیم و به یک تاخت و تاز پرمخاطره بریم." فقط به خاطر این که من بهشون گفتم که یک رویا دارم." خدا میگه: "دستت رو در پیراهنت بگذار." و او این کار رو کرد؛ اون رو بیرون آورد و مبروص بود. و او گفت: "وای". خدا گفت: "دوباره دستت رو در پیراهنت بگذار."

او دوباره گذاشت و حالا سالم شد. و بعد او گفت: "عصایت را بردار و روی زمین بنداز." و اون به مار تبدیل شد. خدا گفت: "اون رو بگیر." و اون رو می‌گیره و دوباره به عصا تبدیل میشه. این جا چه خبره؟ خدا میگه: "موسی، من کلامم رو با معجزات ثابت می‌کنم. تو این طوری نشون میدی که سخنگوی من هستی و من به تو فرمان دادم که این کارها رو بکنی."

و این در قرن ۱۶ به یک مشکل تبدیل شد. وقتی بزرگ‌ترین و خشن‌ترین مباحثه درباره‌ی ماهیت و حقیقت انجیل در دنیای مسیحی، بین پیروان لوتر و اصلاح طلبان و کلیسای کاتولیک روم شروع شد. کل مشاجره درباره‌ی این بود که "انجیل چیه؟"

یکی از استدلال‌هایی که روم علیه اصلاح طلبان به کار برد، این بود که گفتند: "ما در تاریخ‌مون معجزات رو داریم و این معجزات، حقیقت کلیسای کاتولیک رو ثابت می‌کنند." و اون‌ها لوتر و کالوین رو به چالش کشیدند و گفتند: "معجزات شما کجاست؟"

اگر معجزاتی ندارید، چه طور می‌تونید حقیقت ادعاهاتون رو تصدیق کنید؟" حالا توجه کنید که اصلاح طلبان به منتقدان رومی نگفتند: "گوش کنید، شما با درک اشتباه از اهمیت معجزات عمل می‌کنید." اون‌ها ارزش معجزات رو درک کردند. اون‌ها گفتند: "ما معجزاتی داریم که تعالیمون رو ثابت می‌کنه و در عهدجدید ثبت شدند. ما می‌گیم این اقتداره، و اقتدار رسولان با معجزات ثابت شده، نه با معجزات ساختگی شما که در کلیساتون ادعا می‌کنید."

حالا هر کسی می‌تونه ادعای معجزه کنه. اما فقط کسی که خدا اثبات کرده که سخنگوی اوست، از قدرت واقعی برای انجام این کار برخورداره. برای همین این روزها این خیلی جدی هست، وقتی افرادی رو در همه جا دارید که ادعا می‌کنند معجزه می‌کنند. اون‌ها حتی جلسه‌ی معجزه رو آگهی می‌کنند. اون‌ها از قبل می‌گن: "شما بیایید، ما معجزه می‌کنیم." آیا اون‌ها رسول هستند؟ آیا نبی هستند؟

خُب، اگه بر طبق کتاب مقدس معجزه می‌کنند، باید نتیجه‌گیری کنیم که تعالیمشون توسط خدا تصویب، تصدیق و تأیید شده یا این که کارهاشون تعالیم حقیقی رسولان رو تصدیق نمی‌کنه. و اگه قضیه اینه، پس ادعای کتاب مقدسی بودن اون‌ها بی‌اساسه.

پس این جا یک مشکل واقعی داریم. خُب، مسأله اینه. همون‌طور که گفتیم: "معجزه چیه؟" به همین دلیل، الهیدانان خیلی محتاطانه یک تعریف سفت و سخت و محدود رو برای معجزه ارائه کردند.

و درحالی که با این مسأله در کشمکشیم، شاید این به ما کمک کنه که بین معجزه‌ی محدود و گسترده تمایز قائل بشیم. اگه منظورمون از معجزه‌ی گسترده، عمل مافوق طبیعی و پیوسته‌ی خدا در زندگی قومش هست، پاسخ دعاهامون، نزول روح او، تبدیل جان‌ها و همه‌ی این‌ها رو می‌تونیم بگیم که قطعاً تا امروز ادامه داره. اگه معجزه رو به طور محدود تعریف کنیم، مثل الهیدانانی که این کار رو کردند، با این تعاریف که: "یک معجزه عمل مافوق طبیعی هست که با قدرت مستقیم خدا در دنیای قابل درک بیرونی انجام شده، که این عملی برخلاف طبیعته و فقط خدا می‌تونه انجام بده، هم‌چون زنده کردن مُرده یا پدید آوردن چیزی از نیستی."

حالا، اکثر افرادی که ادعای معجزات امروزی رو می‌کنند، از ادعای معجزاتی که در کتاب مقدس پیدا می‌کنیم، قاصرند. من گفتم اکثر افراد، چون افرادی رو داشتم که گزارش دادند مرده‌ها رو زنده کردند و غیره. اما اگه به معجزه‌گران در فرهنگ امروزی‌مون نگاه کنید، اگه کسی اثبات می‌کنه که یک نفر که پاش از لگن یا زانو جدا شده بود، وارد شد و با دست گذاری و دعای معجزه‌گران این پا دوباره رشد کرد.

با من در مورد جلسات بلندتر شدن پا در جلسات دعایی که پای یک نفر دو اینچ بلند شد، صحبت نکنید. من هر بار که پیش ماساژ درمانگر میرم، این اتفاق برام میفته. من میگم شما برای این کار به معجزه نیاز ندارید. من میگم یک پا قطع شده و دوباره رشد کرده. یک نفر مُرده، مثل سنگ افتاده، نه این که فقط ایست قلبی داشته و به هوش اومده، بلکه یک نفر کاملاً مُرده و از مردگان برخاسته.

آیا امروز این اتفاق رو می‌بینید؟ فکر نمی‌کنم. نه به خاطر این که خدا هنوز روی تختش نیست، نه به خاطر این که روح القدس نمی‌تونه این کار رو بکنه. من قطعاً معتقدم که خدا معجزه کرد و می‌تونه معجزه بکنه. سؤال این نیست که "آیا او می‌تونه یا این کار رو کرده؟" سؤال اینه که "آیا امروز این نوع معجزات رو انجام میده؟" آیا یک نفر میاد آب رو به شراب تبدیل کنه، کاری کنه که سر تبر روی آب بمونه، در واقع با قوانین طبیعت مبارزه کنه، به اون شکلی که عیسی و رسولانش معجزاتشون رو انجام دادند؟ به نظرم شما تقریباً باید اینجا بین کیفیت معجزاتی که امروزه توسط معجزه‌گران ادعا میشه و معجزاتی که در کتاب مقدس پیدا می‌کنیم، تمایز قائل بشید.

کارهای معجزه‌گران امروز چیزهایی نیستند که فقط خدا می‌تونه انجام بده. حالا، بخش دوم این سؤال مربوط به معجزات شیطانی هست. و دوباره، من گفتم اکثر گزارشات دنیای انجیلی اینه که شیطان می‌تونه معجزات جدی انجام بده.

حالا چرا مردم اینو میگن؟ چون در کتاب مقدس علیه ترفندهای مکارانه‌ی شیطان به ما هشدار داده شده، کسی که نشانه‌ها و آیات دروغین رو انجام میده. ما مثلاً اعمال مافوق طبیعی رو می‌بینیم که توسط جادوگران مصر در رقابت با موسی انجام شد. و این معمولاً به عنوان قدرت و تأثیر دیوها بر اون‌ها توضیح داده شده. خُب، مشکل اینه. اگه شیطان بتونه معجزه جدی انجام بده، پس ما از کجا بدونیم کتاب مقدس کلام خداست و چه طوری بدونیم عیسی پسر خداست؟

یادتون باشه در کتاب مقدس، معجزات، وجود خدا رو اثبات نمی‌کنند. وجود خدا به طریق‌های دیگه نشون داده شده. معجزات، تصدیق و تأیید خدا برای یک شخصه.

پولس در آتن، در صحبت با فیلسوفان یونانی، درباره‌ی روزهای سابق جهالت صحبت می‌کنه که خدا از اون‌ها چشم پوشی کرد، اما حالا به همه‌ی انسان‌ها در همه جا فرمان میده که توبه کنند و نزد مسیح برن، چون خدا اعلام کرده که روزی دنیا را توسط کسی داوری خواهد کرد که اون رو با رستاخیز از مردگان تأیید کرده؟

این جا این رسول میگه مسیح به عنوان پسر خدا با رستاخیزش تأیید شده. اگه شیطان بتونه معجزه کنه، چی میشه؟ ما از کجا بدونیم رستاخیز توسط شیطان انجام نشده. من متوجه شدم که حتی فکر کردن به این خیلی وحشتناکه. اما شما از کجا این رو می‌دونید؟ از کجا می‌دونید که شیطان به عیسی قدرت نداد که همه‌ی این کارها رو بکنه؟

فراموش نکنید که این دقیقاً اتهام فریسیان علیه عیسی بود، این که او این کارها رو توسط بَعْلزَبول، با قدرت شیطان انجام میداد. شاید بزرگترین حقه‌ی شیطان اینه که مردم رو از یکتاپرستی خالص و ساده دور کنه و به سوی بت پرستی هدایت کنه، به این ترتیب که اون‌ها رو مجبور کنه که یک انسان رو پرستش کنند و بزرگترین حقه‌ی او در این کار اینه که کاری کنه که اون‌ها یک انسان رو پرستش کنند، و به این مرد، انواع قدرت‌ها رو بده که معجزه کنه و بعد او رو از مردگان بلند کنه.

به عبارت دیگه، کل کلیسای مسیحی توسط شیطان بنا شده. چرا این رو باور نمی‌کنید؟ خُب، من باور نمی‌کنم چون باور ندارم که شیطان خداست و باور ندارم که شیطان می‌تونه کارهایی رو بکنه که فقط خدا می‌تونه انجام بده. و می‌دونم که کتاب مقدس میگه شیطان می‌تونه نشانه‌ها و آیات دروغین انجام بده، که اگر ممکن بود، حتی برگزیدگان رو فریب می‌داد. نشانه‌ها و آیات دروغین چیه؟

این معجزه‌ی حقیقی، نشانه‌ی حقیقی یا آیات حقیقی هست که از طرف یک دروغ انجام شده؟ آیا این‌ها آیات کذب و نشانه‌های دروغینند، نه معجزه‌ی واقعی و حقیقی، بلکه جعلی؟ ما می‌دونیم که شیطان زیرک‌تر از هر انسانیه. او قدرت خلقت رو نداره؛ او قدرت مخصوص خدا رو نداره؛ بر حیات و مرگ و این جور چیزها قدرت نداره.

او قدرت قوانین طبیعت رو نداره، اما زیرک‌تر از ماست. و ما هر روز در اطرافمون می‌بینیم که افراد چون جادوگران خیلی حقه‌بازی هستند پول زیادی درمیارن. خبر خوش در فرهنگ ما اینه که جادوگران معروف زمان ما نمی‌تونن ادعا کنند که معجزه می‌کنند. اون‌ها به وضوح میگن تردستی می‌کنند و فقط در کارهایی که می‌کنند، ماهر و زبردست هستند. اون‌ها واقعاً ادعا نمی‌کنند که جادو می‌کنند. در دنیای باستان فرق می‌کرد. جادوگران باستانی ادعا می‌کردند که قدرت مافوق طبیعی دارند، ادعا می‌کردند که جادو می‌کنند، درحالی که فقط تردستی می‌کردند. و ما این رو در رقابت بین موسی و جادوگران صحن فرعون می‌بینیم.

اون‌ها تمام تردستی‌هاشون رو آوردند و در زمان خیلی کوتاهی تردستی شون تموم شد و موسی ادامه داد، چون موسی جادوگر نبود. او با قدرت خدا مسح شده بود که کارهایی رو بکنه که هیچ جادوگری نمی‌تونست بکنه. به همین ترتیب، شیطان خیلی باهوشه و مردم رو فریب میده، اما به او توانایی انجام کارهایی رو ندید که فقط خدا می‌تونه انجام بده. شیطان نمی‌تونه معجزه‌ی واقعی بر اساس مفهوم دقیق کتاب مقدس انجام بده.